



University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Iranian Journal for the History of Islamic Civilization

Print ISSN: 2228 - 7906

Online ISSN: 2645 - 5110

The Foundations of Persian Historiography during the Anatolian Seljuk Period

Nasrin Mohammadi¹ 

1. PhD Candidate in Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran (n.mohammadi1993@ut.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 16 August 2024
Received in revised form:
23 November 2024
Accepted: 18 December 2024
Published online: 18 May 2025

Keywords:

Seljuks of Rūm,
Persian Historiography,
Ilkhanid Influence,
Iranian Bureaucracy,
Migration,
Mongol Patronage

ABSTRACT

The rise of the Seljuks of Rūm in Anatolia during the late 5th/11th century represents a pivotal moment in the region's historical trajectory. This political development was accompanied by successive waves of Iranian migration, particularly of scholars and bureaucrats who entered the Seljuk administrative apparatus. The presence of these Iranian elites played a crucial role in the diffusion of Persian language and literary culture throughout Anatolia, while also catalyzing the emergence of a distinctly Persianate historiographical tradition within the territories of the Seljuks of Rūm. This phenomenon intensified during the Mongol invasions and reached its zenith following the fall of the 'Abbāsīd caliphate in 656/1258. Iranian functionaries, operating within the Seljuk state structure, utilized several factors-including Mongol patronage of historical writing, the Seljuks' ambition to immortalize their imperial legacy, and the symbolic vacuum left by the demise of the caliphate-to produce historical texts that conveyed a characteristically Iranian narrative framework. This study contends that the institutional presence and intellectual activity of Iranian bureaucrats were directly responsible for establishing the foundations of Persian historiography in Anatolia under Seljuk rule.

Cite this article: Mohammadi, N. (2025). The Foundations of Persian Historiography during the Anatolian Seljuk Period. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 57(2), 22-46.
DOI: 10.22059/jhic.2024.380987.654509



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2024.380987.654509

Publisher: University of Tehran Press.

زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی دوره سلجوقیان آناتولی

نسرین محمدی[✉]

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: n.mohammadi1993@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تشکیل حکومت سلجوقیان آناتولی در اواخر قرن پنجم هجری، نقطه عطفی در تاریخ آناتولی به حساب می‌آید. هم‌زمان با تشکیل این دولت، امواج مهاجرتی از ایران به آناتولی نیز شکل گرفت که جمعی از علما و دیوانیان ایرانی را نیز همراه خود به آناتولی برد. حضور این دسته از ایرانیان که بیشترشان در مناصب اداری و دیوانی مشغول به کار شدند، در کنار آنکه موجب گسترش زبان و ادب فارسی در آناتولی می‌شد، شکل‌گیری و گسترش تاریخ‌نگاری فارسی در آنجا را نیز در پی داشت. این امواج مهاجرتی با هجوم مغولان، شدت بیشتری یافتند و با انقراض خلافت عباسی به اوج خود رسیدند. مهاجران ایرانی که در دستگاه سلجوقیان آناتولی به مناصب دیوانی اشتغال داشتند با بهره‌گیری از عوامل گوناگونی، از جمله علاقه مغولان به تاریخ‌نگاری، نیاز سلجوقیان آناتولی به زنده نگاه‌داشتن خاطره دوران شکوه و عظمت خویش، همچنین برای پرکردن خلاء رهبر معنوی جهان اسلام، یعنی خلافت عباسی به نگارش آثار تاریخ‌نگارانه‌ای دست زدند که بیش از هر چیز نماینده رویکرد ایرانی در تاریخ‌نگاری بود. پژوهش حاضر، براساس این مدعا شکل گرفته است که بین مهاجرت دیوانیان ایرانی به قلمرو سلجوقیان آناتولی و شکل‌گیری سنت تاریخ‌نگاری فارسی در قلمرو آنها رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸	
کلید واژه‌ها: تاریخ‌نگاری فارسی، دیوانسالاری ایرانی، سلجوقیان آناتولی، مغول، مهاجرت.	

استناد: محمدی، نسرین (۱۴۰۳). زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی دوره سلجوقیان آناتولی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۷(۳)، ۲۲-۴۶.
DOI: 10.22059/jhic.2024.380987.654509



© نویسندگان.

DOI: 10.22059/jhic.2024.380987.654509

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

از اواسط قرن ششم هجری/دوازدهم میلادی در اثر ضعف سلجوقیان و التهابات سیاسی ناشی از آن، ایران دستخوش ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای شد. این التهابات که با حملات غزها، سقوط سلجوقیان و قدرت‌گیری خوارزمشاهیان آغاز شده بود، با انقراض سلجوقیان عراق و کرمان ادامه یافت و در اوایل قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی با تهاجم ویرانگر مغولان به‌اوج رسید. چنین وضعیتی، موجب شکل‌گیری امواج مهاجرتی از ایران به‌آناتولی شد. در نتیجه، تعداد درخور توجهی از علما و دیوانیان ایرانی نیز وارد آناتولی شدند. از جمله نتایج ورود علما و دبیران ایرانی به‌آناتولی، رواج تاریخ‌نگاری فارسی/ایرانی در آن دیار بود که آثاری، همچون *الاوامر العلانیة فی امور العلانیة* و *مسامره الاخبار و مسایره الاخبار* که اولی به‌علاءالدین کیقباد سلجوقی و دومی به‌امیر تیمورتاش چوپانی تقدیم شده بود، از آن دسته به‌حساب می‌آیند. از جمله دیگر آثاری که جزو تاریخ‌نگاری فارسی در آناتولی به‌شمار می‌آید، اثر بی‌نامی است که از لحاظ محتوا و کیفیت در مرتبه‌ای پایین‌تر از دو اثر دیگر قرار می‌گیرد و هویت مؤلف آن نیز بر ما نامشخص است.

اینکه هرسه اثر مذکور باوجود تألیف دوره سلجوقیان آناتولی، در چارچوب سنت تاریخ‌نگاری فارسی/ایرانی شکل می‌گیرد؛ ناشی از چندین مشخصه و معیاری است که در این آثار مشاهده می‌شود. زبان هرسه اثر، فارسی است که زبان منشیان و دیوانسالاری سلجوقی بود. نویسندگان هرسه اثر از دیوانیان هستند و در نهایت اینکه در هرسه اثر، گرایش‌هایی معطوف به‌پیوند سنت تاریخ‌نگاری با اندرزنامه‌نویسی غلبه دارد. بر اساس چنین مشخصه‌هایی است که این نوع تاریخ‌نگاری شکل گرفته در قلمرو سلجوقیان آناتولی را می‌توانیم متعلق به‌سنت تاریخ‌نگاری فارسی/ایرانی بدانیم. سنت تاریخ‌نگاری ایرانی، گستره وسیعی از آسیای مرکزی تا آناتولی را در برمی‌گرفت و مهم‌ترین عامل رشد و گسترش آن، منشیانی بودند که در دستگاه‌های دیوانسالاری، چنین تاریخ‌نگاری را نمایندگی کرده و آن را به‌جلو می‌بردند. چهار عامل قطعی و تعیین‌کننده، در شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی دوره سلجوقیان آناتولی تأثیر داشتند که عبارت‌اند از: حمله مغول، مهاجرت از ایران به‌آناتولی، انقراض خلافت عباسی و گسترش زبان فارسی. سایر عوامل نیز به‌طور غیرمستقیم بر این روند اثرگذار بوده‌اند، اما به‌سبب ماهیت خاص این پژوهش، از بحث درباره آن‌ها صرف‌نظر شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با اتکا بر منابع اصلی تاریخ‌نگاری فارسی این دوره و با توجه بر مهم‌ترین عوامل اثرگذار در نگارش آن‌ها، زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی در این دوره را بررسی کند؛ به‌سخنی دیگر، علل و دلایل گوناگونی که در بستر زمانی و مکانی موردنظر، موجب شکل‌گیری و رواج این نوع تاریخ‌نگاری در آناتولی شدند، مسئله و ابهامی است که این پژوهش به‌دنبال ارائه پاسخی بدان است.

پیشینه پژوهش

درباره تاریخ‌نگاری فارسی در آناتولی، چندین پژوهش در ایران و ترکیه انجام شده است. محمدامین ریاحی^۱ در کتاب خود در قالب ۲۰ بخش، زبان و ادب فارسی را بررسی کرده است؛ از این رو با پرداختن به موضوعات مختلفی، از جمله اوج گسترش زبان فارسی دوره سلجوقیان و...، به بررسی وضعیت زبان و ادب فارسی در آناتولی پرداخته است. در پژوهشی که ناصر صدقی^۲ با نام *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی* انجام داده، علل انحطاط و زوال تاریخ‌نگاری در زمان اوج قدرت سلجوقیان ایران به تفصیل بررسی شده است. صدقی نظری که زوال و انحطاط تاریخ‌نگاری سلجوقیان ایران را در زمان اوج قدرت این حکومت می‌داند و دوره زوال و سقوط این حکومت را یکی از پررونق‌ترین دوره‌های تاریخ‌نگاری ایرانی به‌شمار می‌آورند و به این نکته تأکید می‌کند که حتی دوران ضعف و فروپاشی یک حکومت، زمینه‌های جدیدی برای تولید دانش و روایت‌های تاریخی فراهم می‌آید که در نهایت، موجب تحول و غنای تاریخ‌نگاری می‌شود. همچنین زهرا ربانی^۳ در کتاب *فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان آناتولی*، ورود مسلمانان به آناتولی، تشکیل دولت سلجوقی آناتولی و گسترش دوباره فرهنگ ایرانی در این منطقه را مورد توجه قرار داده و بر آن است که یکی از دلایل این گسترش، توجه خاص تاریخ‌نگاران به فرهنگ ایرانی بود.

عثمان توران در کتاب خویش^۴ به‌طور جامع و دقیق، به تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی پرداخته و جنبه‌های مختلف این روند تاریخی را بررسی کرده است. توران در این اثر، به اهمیت تاریخ‌نگاری دوران سلجوقیان آناتولی و تأثیر آن بر تمدن ترک-اسلامی اشاره می‌کند و در کنار تحلیل تاریخ‌نگاری، به بررسی نقش زبان فارسی و تاریخ‌نگاران فارسی‌زبان در این زمینه می‌پردازد. همچنین پژوهشگرانی، از جمله علی ارطغرل^۵ با عنوان *تاریخ‌نویسی در آناتولی پیش از دوره عثمانی*، با استناد به اختصار و مفصل‌نبودن منابع تاریخ سلجوقیان آناتولی نسبت به تاریخ سلجوقیان بزرگ- با وجود آنکه هر دو از یک سلاله و از یک فرهنگ و سنت و هم‌عصر هم بوده‌اند- تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی را در مرتبه‌ای پایین‌تر و در دنباله

۱. محمد امین، ریاحی (۱۳۹۰). *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*. تهران: انتشارات اطلاعات.

۲. ناصر، صدقی (۱۳۹۳). *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

۳. زهرا، ربانی (۱۳۹۱). *فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان آناتولی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

4. Osman, Tura, (2008) *Selçuklular Tarihi ve Türk-İslam Medeniyeti*, Ankara: Ötüken,.

۵. علی، ارطغرل (۱۳۹۱). *تاریخ‌نویسی در آناتولی پیش از عثمانی: در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*. ترجمه و تدوین نصرالله صالحی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

تاریخ‌نگاری سلجوقیان بزرگ دانسته است. همچنین، سارا نور ییلدیز^۱ در کتاب *سلجوقیان آناتولی*، درباره تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی بحث کرده است. وجود ارزشی که هرکدام از این پژوهش‌ها دارند، هیچ‌کدام توجه چندانی به زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی دوره سلجوقیان آناتولی و دامنه گستردگی آن نداشته‌اند. با وجود اهمیت و ارزشی که پژوهش‌های مختلف در زمینه تاریخ‌نگاری فارسی دوره سلجوقیان آناتولی دارند، تاکنون کمتر توجهی به زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی در این دوره و دامنه گستردگی آن صورت گرفته است. بیشتر آثار موجود، به تحلیل‌های سطحی و کلی از تاریخ‌نگاران فارسی‌زبان پرداخته‌اند، بدون آنکه به عمق و پیچیدگی‌های فرآیند شکل‌گیری این تاریخ‌نگاری و تعامل آن با دیگر فرهنگ‌ها پرداخته شود. در واقع، نیاز به پژوهشی جامع و دقیق‌تر در این زمینه احساس می‌شود تا بتوان ابعاد مختلف این پدیده فرهنگی را بررسی کرد.

نگاه اجمالی به سلجوقیان آناتولی

سلجوقیان آناتولی، شاخه‌ای جدانشده از شاخه اصلی سلجوقیان بزرگ بودند که پس از جداشدن از ایشان و حرکت به سمت غرب، در نیمه دوم قرن پنجم هجری، توانستند سلسله سلجوقیان آناتولی را در آناتولی بنیان نهند (Hillenbrand, 2011: 73-78). بعد از مرگ سلطان طغرل سلجوقی به سال ۴۵۵ ه. ق، برادرزاده او آلبارسلان به سلطنت رسید. در این هنگام قتلش بن اسرائیل، علیه آلبارسلان قیام کرد و ادعا کرد که سلطنت حق اوست. (نیشابوری، ۲۲: ۱۳۳۲؛ آقسرائی، ۱۶: ۱۹۴۳). در جنگی که بین آن دو اتفاق افتاد، قتلش کشته شد و آلبارسلان تصمیم گرفت تمام خانواده وی را به قتل برساند؛ اما به‌رأی و نظر نظام الملک از این کار پشیمان شد و پسر قتلش، سلیمان شاه را حاکم مناطق دیار بکر و اطراف کرد تا ضمن دورشدن از مرکز حکومت سلجوقیان بزرگ، در آنجا به غزا و جهاد بپردازد (نیشابوری، ۲۲: ۱۳۳۲؛ آقسرائی، ۱۶: ۱۹۴۳؛ ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۷۸). از آن پس بود که سلجوقیان آناتولی توانستند با پیش‌روی در آناتولی، امپراتور بیزانس را نیز در نبرد ملازگرد شکست دهند و دولت خود را بنیان نهند.

شکل‌گیری تاریخ‌نگاری سلجوقیان آناتولی

آناتولی، نسبتاً دیر به‌بخشی از جهان اسلام تبدیل شد و این روندی بود طولانی. با نگاهی به تاریخ آناتولی از ظهور اسلام به بعد، می‌توان دریافت که این منطقه همیشه مورد نزاع بین مسلمانان و مسیحیان بوده است. (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۷۹-۱۰۹). سربازان اسلامی هرگز برای مدت طولانی به‌فراتر از کوه‌های

1. Yıldız, Sara Nur Anda. C. S., (2013). *Peacock, the Seljuks of Anatolia*, I. B. Tauris.

توروس نفوذ نکردند و باوجود برخی پیروزی‌های قابل توجه، هارون الرشید هم (متوفی ۸۰۹ م) برای الحاق آناتولی به قلمرو دولت عباسی هیچ تلاشی نکرد. تا زمانی که سلجوقیان در ۴۶۳ ه.ق امپراتوری بیزانس را در ملازگرد شکست دادند، آسیای صغیر برای همیشه در معرض نفوذ سلاح مسلمانان و فرهنگ اسلامی قرار گرفت. (Kafadar, 2010:6; Yildirim, 2001:44) بعد از جنگ ملازگرد، خواجه نظام‌الملک با اعزام مأموران دیوانی برای اداره امور قلمرو متصرفی در آناتولی، به‌گسترش نظام دیوانی – اداری سلجوقی در آنجا پرداخت. از آنجا که با تلاش‌های او و دیگر دیوان‌سالاران، زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی دیوانی – اداری قلمرو سلجوقی درآمده بود، همراه با گسترش نظام دیوانی – اداری، زبان فارسی نیز در آناتولی رواج یافت. (رحمتی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). این رویکرد، بعدها و ازسوی حکومت‌های کوچک (امیرنشین‌های) ترک نیز دنبال شد. (Ateş, 1945: 94) در آن دوره نیروهای نظامی، تحت سیطره ترکان و فرهنگ اساساً ایرانی بود. (Mecit, 2014:182; Yildirim, 2001: 44).

بدین ترتیب، آناتولی به‌استانی از امپراتوری ترکان (سلجوقی) با مرکزیت ایران و عراق عجم تبدیل شد که شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی در قلمرو سلجوقیان آناتولی و رشد ادبیات تاریخی فارسی در آن منطقه را در پی داشت. (میثمی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). به هرروی، تا اواخر قرن هفتم بود که تاریخ‌نگاری مشخصی در آناتولی پدید آمد، در آن زمان این منطقه ازسوی مغولان فتح شده بود. آناتولی شرقی، به‌تدریج با حکومت ایلخانان ادغام شد، اگرچه سلاطین سلجوقی تا اوایل قرن هشتم به‌عنوان رهبران حکومت محلی موقعیت خود را حفظ کرده بودند (Woods, 1999:126). نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، این است که فتوحات مغول، علاقه‌ای به ادبیات تاریخی ایجاد کرد که در تهاجمات سلجوقیان پیشین چنین علاقه‌ای به وجود نیامده بود، البته این عامل با ظهور مغولان و از بین رفتن خلافت عباسی بی‌تأثیر نبود. (Woods, 2006:140).

علاقه‌مندی مغولان به بقای ذکر و تخلید نام، وقوع حوادث بزرگ و حدوث وقایع مهم (برچیده شدن حکومت خوارزمشاهیان، فتح قلاع اسماعیلیه، انقراض خلافت عباسی، ضعف و زوال حکومت سلجوقیان آناتولی و...) همچنین وجود مورخان حرفه‌ای، همچون رشیدالدین فضل‌الله همدانی و عطاملک جوینی نیز در گسترش تاریخ‌نگاری فارسی در این دوره، نقش مهمی ایفا کردند (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۶). نکته در خور تأمل این است که تاریخ‌نگاری فارسی به‌عنوان یک حوزه معرفتی و علمی در زمان سلجوقیان آناتولی و آن هم زمانی که در اوج قدرت بودند، اصلاً گسترش پیدا نکرد و عملاً در حیات حکومت سلجوقیان آناتولی، هیچ نوع کتب تاریخی تألیف نشد. همین مسئله، باعث شد تا بسیاری از پژوهشگران حوزه تاریخ‌نگاری با بی‌مهری به تاریخ‌نگاری دوره سلجوقیان (آناتولی) نگاه کنند و تحقیق در این باره را کم‌ارزش تلقی نمایند؛ به گونه‌ای که کاهن می‌نویسد: «آغاز و انجام حکومت سلجوقیان در گسترش

ادبیات تاریخی اسلام و تاریخ‌نگاری آن وقفه‌ای پدید نیاورد؛ از این رو صحبت از تاریخ‌نگاری عهد سلجوقی و تصویری خاص از آن شاید چندان ضروری و بایسته نباشد...» (کاهن، ۱۳۸۸: ۶۵).

همچنین، علی ارطغرل معتقد است که منابع نوشته‌شده در زمینه حکومت سلجوقیان آناتولی، اطلاعات کافی و جامعی را از تغییر و تحولات فرهنگی و جمعیتی آناتولی به دست نمی‌دهد. «هم منابع مربوط به فتوحات اولیه سلجوقیان و هم منابعی که تماماً مربوط به تاریخ سلجوقیان آناتولی است، چنان که شاید و باید به تغییرات و تحولات فرهنگی و جمعیتی آناتولی نپرداخته‌اند» (ارطغرل، ۱۳۹۱: ۲۱).

در اینجا، باید به چند نکته مهم درباره دیدگاه علی ارطغرل اشاره کرد: نخست اینکه، کتب تاریخی که در حوزه حکومت سلجوقیان آناتولی تألیف شده‌اند، نه تنها نسبت به کتب تاریخی سلجوقیان بزرگ ارزش کمتری ندارند، بلکه در بعضی موارد ارزشمندتر و مفصل‌تر از آن‌ها هستند؛ برای نمونه دو کتاب *الاوامر* / *العلائیة* و *مسامره الاخبار*، حوادث مربوط به نیمه دوم قرن هفتم هجری را چنان با جزئیات ثبت کرده‌اند که شاید هیچ کتاب تاریخی دوره سلجوقیان بزرگ به آن پایه و درجه نرسند. دوم اینکه، بیشتر کتب تاریخی نوشته‌شده در جهان اسلام با تمرکز بر وقایع دربار تألیف شده‌اند و در کل، اطلاعات محدودی از تغییر و تحولات فرهنگی ارائه می‌دهند و قاعدتاً کتب تاریخی این دوره نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

صدقی معتقد است که سلجوقیان ایران در زمان شکل‌گیری و فتوحات و همچنین زمانی که در اوج قدرت بودند، هیچ‌گونه حمایتی از مورخان نمی‌کردند و عملاً علاقه‌ای به تاریخ نداشتند (صدقی، ۱۳۹۳: ۵۹-۵۶). او دلیل این بی‌علاقگی و کم‌توجهی به تاریخ و مورخان را، ناآگاهی ترکان غز از تاریخ و سرگذشت قومی می‌داند (صدقی، ۱۳۹۳: ۵۷). او معتقد است که «سلجوقیان در صورت داشتن آگاهی تاریخی، به واسطه قرابت مکانی و زمانی به محل و منشأ شکل‌گیری اسطوره‌ها و سنن تاریخی متعلق به ترکان غز، بهتر می‌توانستند با تاریخ و سرگذشت قومی و قبیله‌ای خودشان آشنا باشند و اقدام به ثبت آن کنند» (صدقی، ۱۳۹۳: ۵۸). دلیل دیگری که صدقی متذکر می‌شود، حمایت نکردن دیوان‌سالاران و وزرای سلجوقیان ایران از تاریخ‌نگاری است. او با این استدلال که دوره سلجوقیان یکی از ادوار رونق اندرزنامه‌نویسی در تاریخ ایران است، چنین بیان می‌کند که با در نظر گرفتن اینکه یکی از مهم‌ترین کارکردهای اندرزنامه‌نویسی، تعلیم اصول پادشاهی برای سلاطین است، وزراء و دیوان‌سالاران توجه زیادی به امر تاریخ‌نگاری نداشتند و همین مسئله خود یکی از عوامل اصلی انحطاط تاریخ‌نگاری فارسی در زمان اوج و شکوفایی سلجوقیان ایران بود (صدقی، ۱۳۹۳: ۶۱).

البته باید خاطرنشان کرد که برخی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک را در زمره کتب تاریخی دوره سلجوقیان آورده‌اند، مانند جولی اسکات میثمی (میثمی، ۱۳۹۱: ۱۸۸). استدلال دیگری که صدقی درباره بی‌توجهی دیوان‌سالاران و وزرای ایرانی سلجوقی به مورخان و تاریخ‌نگاری مطرح می‌کند، این است که

«به‌لحاظ تاریخی و منطقی بین دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در شکل قهقرائی و انحطاطی آن با شکل‌گیری تأملات و اندیشه‌های تاریخی و پدیده تاریخ‌نگاری در نزد نخبگان فرهنگی هر جامعه و دوره تاریخی رابطه‌ای مستقیم و تعیین‌کننده وجود دارد» (صدقی، ۱۳۹۳: ۵۹). در پاسخ به این مدعا و در مورد اولین استدلال، یعنی بی‌توجهی خاندان سلجوقی به تاریخ‌نگاری به سبب عدم خودآگاهی تاریخی، کاملاً واضح است که شاخه سلجوقیان آناتولی نیز این ویژگی را داشتند و همان ویژگی می‌توانست موجبات رکود تاریخ‌نگاری دوره شکوفایی حکومت سلجوقیان آناتولی را فراهم کند. نکته درخور تأمل در اینجا، حکومت سلجوقیان کرمان است که تاریخ‌نگاری دوره رونق و شکوفایی این حکومت نیز، دچار رکود بوده است (Yıldız, 2006: 462).

درباره استدلال دوم، یعنی رواج اندرزنامه‌نویسی و بی‌توجهی وزرا و دیوان‌سالاران به تاریخ‌نگاری، این مسئله مطرح می‌شود که هرچند سنت اندرزنامه‌نویسی در قلمرو سلجوقیان آناتولی رواج نیافت و هیچ‌گونه آثار اندرزنامه‌نویسی در این منطقه تألیف نشد، اما با نگاهی به نام سلاطین سلجوقی آناتولی و همچنین وزرای آن‌ها که بیشتر ایرانی یا تربیت‌شده در فضائی ایرانی بودند، متوجه می‌شویم که در حوزه سیاست عملی، سنت اندرزنامه‌نویسی تأثیرات زیادی بر دربار و حکومت سلجوقیان آناتولی گذاشته است و همین شرایط، خود باعث شده بود که وزرا و دیوانیان که بیشتر ایرانی بودند، با اثرپذیری از همان کارکردهای سنت اندرزنامه‌نویسی به تاریخ‌نگاری و مورخان کمترین توجه را داشته باشند (صدقی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در کنار این عوامل، درباره بروز دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و پیدایش اندیشه و تأملات تاریخی و شکل‌گیری تاریخ‌نگاری از سوی نخبگان جامعه، حکومت سلجوقیان آناتولی نمونه درخور توجهی به شمار می‌رود؛ زیرا با نگاهی به متون تاریخ‌نگاری در قلمرو سلجوقیان آناتولی، متوجه خواهیم شد که رونق و گسترش این حوزه معرفتی هم‌زمان با زوال و انحطاط این حکومت بود؛ به عبارتی دیگر، تاریخ‌نگاری فارسی در قلمرو سلجوقیان آناتولی که از سوی دیوان‌سالاران ایرانی یا تربیت‌شده با فرهنگ ایرانی پایه‌ریزی شد، محصول اوضاع آشفته و نابسامان این منطقه بود. علاوه بر عواملی که ذکر شد، عامل مهم دیگری که در رونق نیافتن تاریخ‌نگاری در قلمرو سلجوقیان آناتولی دوره رونق و شکوفایی این حکومت تأثیر داشت، نبود سنت‌های فکری تاریخ‌نگاری در این منطقه قبل از تأسیس حکومت سلجوقیان آناتولی بوده است؛ به گونه‌ای که قبل از ورود سلجوقیان به آناتولی، بیشتر این مناطق جزو قلمرو امپراتوری بیزانس بوده و هیچ حکومت مسلمانی در آنجا ظهور نکرده بود. (Yıldız, 2006: 472). به عبارتی دیگر، تاریخ‌نگاری عصر سلجوقیان آناتولی، پدیده‌ای است متعلق به دوره تاریخی ضعف و انحطاط نظام سیاسی سلجوقی در آناتولی، نه مراحل تاریخی شکل‌گیری و قدرت آن.

به نظر نگارنده، عامل دیگری که در رونق نیافتن تاریخ‌نگاری در اوایل حکومت سلجوقیان آناتولی

اثرگذار بود، وجودداشتن قدرت متمرکز مسلمان دیگری در این ناحیه قبل از سلجوقیان آناتولی بوده است؛ بدین معنا که اگر قبل از ورود سلجوقیان به منطقه آناتولی، حکومت متمرکز قدرتمندی وجود داشت، نخبگان (علماء، دانشمندان و دبیران) آن حکومت به اعتراض یا تمجید از تازه واردان لب می گشودند و به ثبت آثاری اقدام می کردند. در این مورد، خود حکومت سلجوقیان آناتولی نمونه خوبی است؛ زیرا زمانی که آنها تحت سلطه مغولان قرار گرفتند، نخبگان جامعه به ثبت آثار تاریخی اقدام کردند که همان آثار، خود موضوع این پژوهش هستند.

در باره شکل گیری تاریخ نگاری فارسی/ ایرانی در آناتولی، می توان به نظر مصطفی آق داغ استناد کرد. او ضمن پذیرش حضور ایرانیان و افرادی با تربیت ایرانی در مشاغل اداری دستگاه سلجوقی معتقد است که در آغاز ورود ترکان به آناتولی، به سبب آنکه در میان ترکها افراد تحصیل کرده و واجد شرایط برای تصدی مناصب اداری وجود نداشت، سلاطین سلجوقی ناگزیر از ایرانیان در اداره امور استفاده می کردند (Akdag, 1974: 46-47). زمانی هم که نخبگان فرهنگی این حوزه به تاریخ نگاری اقدام کردند، یا خود ایرانی بودند یا بیشترین تأثیر را از مورخان، وزرا و دیوان سالاران ایرانی گرفته و در فضای دیوان سالاری ایرانی تربیت یافته بودند. با نگاهی به محتوای کتب تاریخ نگاری این دوره، متوجه خواهیم شد که این کتب ویژگی هایی دارند که از آن می توان به تاریخ نگاری ایرانی نام برد (صدقی، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۹؛ ترکمنی آذر، ۱۳۹۳: ۴۴).

عوامل شکل گیری تاریخ نگاری فارسی دوره سلجوقیان آناتولی

شکل گیری تاریخ نگاری فارسی در قلمرو سلجوقیان آناتولی برخاسته از عوامل متعددی بود که مهم ترین آنها عبارت اند از: هجوم مغولان، انقراض خلافت عباسی، مهاجرت نخبگان ایرانی به آناتولی و گسترش زبان فارسی در آن منطقه که در ادامه، هر کدام از این موارد به طور مستقل بررسی خواهد شد.

۱. هجوم مغولان

هجوم مغولان از چند جهت، باعث رونق مجدد تاریخ نگاری فارسی شد. علاقه مندی مغولان به بقای ذکر و تخلید نام، وقوع حوادث بزرگ و وجود خاندان هایی، همچون جوینی و همدانی عواملی بودند که زمینه ای برای رونق مجدد تاریخ نگاری فارسی دوره ایلخانی را فراهم می کردند (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۶). مغولان که از آسیای مرکزی برخاسته و در مدت کوتاهی توانسته بودند قلمروی وسیعی را تصرف کنند، با وجود قدرت نظامی و سیاسی که داشتند نتوانستند از تأثیرات فرهنگ ایرانی اجتناب کنند و فرهنگ ایرانی با جلوه گر شدن در تاریخ نگاری و ادبیات، واکنشی علیه تسلط مغولان بروز داد

(Cahen, 1962: 57-78). باید توجه داشت که تمام کتب تاریخی عصر سلجوقیان آناتولی، زمانی تألیف شده‌اند که از حکومت سلجوقیان آناتولی فقط نامی باقی‌مانده بود و عملاً تحت تسلط حکومت ایلخانان قرار داشتند (Melville, 2001: 77).

دوره ایلخانی علاوه بر آثاری، همچون تاریخ جهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی که در دربار مغولان و برای ایشان نگاشته شد، آثاری نیز در آناتولی - که حاکمان سلجوقی‌اش خراج‌گذار ایلخانان بودند - به‌رشته تحریر درآمد. تاریخ سلاجقه آناتولی از ابن بی‌بی، نه تنها نزدیک‌ترین اثر تاریخی به وقایع و افراد آن دوره است، بلکه منسجم‌ترین و قابل‌فهم‌ترین منبع به حساب می‌آید. با وجود این، متن ابن بی‌بی به تنهایی دیدگاه جامعی از آناتولی تحت حکومت مغول ارائه نمی‌دهد و برای برطرف کردن بسیاری از شکاف‌ها باید به منابع متنوعی، از جمله دیگر آثار فارسی (تاریخ جهانگشا و جامع‌التواریخ) مراجعه کرد. افزون بر این، لازم است متن ابن بی‌بی را در شرایط تاریخی و سیاسی آن تا حد امکان زمینه‌سازی کرد (Yıldız, 2006: 496). زمینه ایلخانی تولید تاریخ‌نگاری به‌ویژه ابن بی‌بی، اثری که در آستانه سقوط برادران جوینی نوشته شده است، بیشتر مورد توجه مورخان قرار گرفته است. با وجود این، انتخاب و سازمان‌دهی اطلاعات از سوی نویسنده به شدت، تحت تأثیر شرایط تاریخی و زمینه‌های ایدئولوژیکی سلجوقی و ایلخانی قرار گرفت (Ibdi: 497).

روابط سلاطین سلجوقی آناتولی با مغولان را نیز در کتاب ابن بی‌بی می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره نخست که بر اساس دوستی و احترام متقابل حاکم بود در فاصله زمانی سال‌های (۶۲۲-۶۴۱) واقع می‌شد و دوره دوم که بعد از سال ۶۴۰ و نبرد کوسه‌داغ آغاز شده بود، شروعی بود بر ایلی‌شدن و از بین رفتن استقلال حکومت سلجوقیان آناتولی. به نظر می‌رسد که ابن بی‌بی، به همان اندازه که به دفاع از جوینی والی ایلخانی بغداد پرداخت از قدرت برادرش شمس‌الدین نیز حمایت می‌کرد. تلاش ابن بی‌بی برای پاک کردن نام عزالدین کیکاووس دوم البته به دلیل شرایطی بود که مورخ در آن قرار داشت: انتصاب ایلخانی مسعود دوم، پسر عزالدین کیکاووس دوم. سلطان معزول در بستر مرگ از پسرش خواسته بود تا وفاداری و تبعیت خود از ایلخانان را حفظ کند و این نشان‌دهنده آشتی خط عزالدین کیکاووس دوم با ایلخانان است.

۲. انقراض خلافت

در جریان موج دوم حملات مغولان به سمت ایران، یکی از اهداف اصلی آن‌ها به اطاعت درآوردن یا از بین بردن خلافت عباسی بود (میرخواند، ۱۳۳۸: ۷۰). مغولان بعد از براندازی قلاع اسماعیلیه، باب مذاکره را با خلافت عباسی باز کردند و بعد از آنکه به نتیجه‌ای نرسیدند، حملات خود را به طرف بغداد آغاز کردند

و در ۶۵۶ ه.ق توانستند خلافت عباسی را از میان بردارند. با انقراض خلافت عباسی، نوعی خلأ رهبری دینی برای جامعه اهل سنت به وجود آمد که آزادی و عدم تعصب مذهبی ایلخانان این امر را تشدید کرد و موجب شد که مذهب تسنن جایگاه خود را به عنوان مذهب مسلط جامعه اسلامی در مناطق شرقی جهان اسلام از دست بدهد. مسئله‌ای که تزلزل موقعیت علما و اندیشمندان اهل سنت را در پی داشت. در نتیجه چنین شرایطی، علما و اندیشمندان اهل سنت در صدد ریشه‌یابی و پیدا کردن عوامل سقوط خلافت و همچنین تسکین دادن به جامعه سنی مذهب، به آن حادثه بزرگ توجه کردند. همین مسئله، خود باعث به وجود آمدن موجی از تاریخ‌نگاری شد که در سرتاسر حکومت ایلخانان و حتی بعد از آن هم ادامه داشت. (آفسرایی، ۱۹۴۳: ۴۴-۴۰).

۳. مهاجرت از ایران به آناتولی

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مهاجران ایرانی در دو دوره پیش و پس از حمله مغول یا از دست خوارزمیان یا از دست مغولان به سوی سرزمین‌های آناتولی سرازیر شده‌اند. (Mecit, 2011: 69; Kafadar, 2010: 6; Yıldız, 2013: 160). جرفادقانی در وصف اوضاع عراق بعد از برافتادن سلسله سلجوقیان و مرگ اتابک ایلدگز، آورده است که: «و کار عراق متزلزل و مضطرب گشت و شیاطین اتراک از شیشه ضبط بیرون افتادند و قرب صد غلام از کبار ممالیک او (اتابک ایلدگز) که هریک عفریتی از عفاریت انس بود و فرعونی از طواغیب بشر، پای از جاده راستی بیرون نهادند» (جرفادقانی، ۱۳۴۵: ۴). در ذیل کتاب *سلجوقنامه نیشابوری* نیز، در وصف شرایط بعد از فروپاشی سلجوقیان آمده است که: «بعد از او (طغرل سوم) در عراق هیچ آفریده رفاهیت و آسایش و معدلت نیافت و خاندان‌های قدیم بر افتادند» (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۹۱). با حملات مغول به مناطق شرقی و مرکزی ایران، اوضاع به حدی رسید که کسی توانائی تحمل چنین وضعی را نداشت و به قول نویسنده تاریخ ادبیات ایران، «و آنچه از این میان باقی می‌ماندند جمعیت‌های منحطی بودند که نه حاجتی به عمارت و آبادانی، به نحوی که قبلاً بود، داشتند و نه همت و حال و شوقی بر این کار احساس می‌نمودند» (صفا، ۱۳۵۱: ۷۸). با این توصیفات، هر کس که می‌توانست به مناطق امن‌تر پناه می‌برد و آنجا را برای زندگی برمی‌گزید. علی ارطغرل در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌نگاری در آناتولی (پیش از دوره عثمانی)»، از این مهاجرت‌ها، با عنوان «مهاجرت فکری» یاد کرده است (ارطغرل، ۱۳۹۱: ۱۷).

در انتخاب آناتولی به عنوان مقصدی برای مهاجرت ایرانیان، چندین عامل اثرگذار بودند: نخست اینکه، دربار سلجوقیان آناتولی فضایی کم‌وبیش ایرانی داشت و زبان رسمی و اداری آن، زبان فارسی بود. از نخستین ایرانیانی که به آناتولی مهاجرت کردند و بیشترشان در مناصب حکومتی مشغول به خدمت شدند،

نیز می‌توان، اثیرالدین ابهری، سراج‌الدین ارموی (قاضی قونیه)، امین‌الدین تبریزی (قاضی آقسرای)، سعدالدین قزوینی (قاضی توقات)، جلال‌الدین ورکانی (قاضی آماسیه)، شمس‌الدین محمد اصفهانی (وزیر کیکاووس دوم)، امین‌الدین میرداماد اصفهانی (متولی اوقاف در حکومت غیاث‌الدین و کیخسرو) (صدری نیا، ۱۳۹۰: ۵۸) را نام برد.

عامل دیگری که به‌نظر می‌رسد در جلب نظر مهاجران در انتخاب شهرهای آناتولی برای مهاجرت اثرگذار بود، وجود نوعی فضای آزاد و فارغ از تعصب‌های فرقه‌ای، مذهبی و کلامی در آن سرزمین بود. این خصوصیت، به‌ویژه در جلب توجه اهل دانش و اندیشه، تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای داشت (راوندی، ۱۳۸۶: ۱۵۵؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۵۶: ۵۳۳). سومین عاملی که درباره علت مهاجرت ایرانیان به آناتولی می‌توان ذکر کرد، فاصله قابل توجه این سرزمین از مناطق درگیری لشکر مغول با سپاهیان خوارزمشاه بود. این ویژگی، موجب می‌شد که این سرزمین تا مدت‌ها از یورش مهاجمان مغول در امان بماند و در قیاس با سرزمین‌های ایران محیطی امن تلقی شود. چه‌بسا، مهاجرانی که در آن سال‌ها رو به‌جانب سرزمین آناتولی نهادند، گمان می‌بردند که به‌منطقه امنی پناه می‌برند و هرگز پای سربازان مغول بدان‌جا نخواهد رسید (صدری نیا، ۱۳۹۰: ۵۱).

۴. گسترش زبان فارسی

دوره حکمرانی سلجوقیان آناتولی، یکی از ادوار رونق و گسترش زبان و ادب فارسی در آناتولی است؛ به‌گونه‌ای که استفاده از زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی دولت سلجوقی و استعمال آن در مکاتبات اداری، فرامین، منشورها و حتی مکاتبات شخصی بزرگان سلجوقی به‌چشم می‌خورد. به‌گفته ییلدیز زبان اصلی دربار، زبان فارسی بود (Yıldız, 2013:130). منشیان متعددی که وظیفه نگارش این مکتوبات را داشتند، همگی یا ایرانی بودند یا فارسی را به‌خوبی می‌دانستند و بیشتر خود ادیبانی بودند که نوشته‌هایشان از ارزش ادبی برخوردار بود (یازجی، ۱۳۷۱: ۱۰۱-۱۰۲). از میان این دبیران صاحب‌هنر، به‌ویژه باید به‌کسانی همچون محمد بن غازی ملطیوی، صاحب *روضه‌العقول* که ابتدا دبیری رکن‌الدین سلیمان‌شاه را داشت و چندی نیز به‌مقام وزارت رسید، اشاره کرد. آثار عمده او *روضه‌العقول* و *بریدالسعادة* هردو به‌فارسی از نمونه‌های نثر فارسی در این دوره محسوب می‌شوند (مفتاح، ۱۳۷۴: ۷۰-۷۳؛ ربانی، ۱۳۹۱: ۵۳).

در گسترش زبان و ادب فارسی در آناتولی علاوه بر مهاجرت ایرانیان، عوامل دیگری نیز دخیل بودند که از جمله آن‌ها، می‌توان به‌حمایت سلاطین و شاهزادگان سلجوقی از زبان و ادب فارسی اشاره کرد. به‌گفته عثمان توران: «سلاطین سلجوقی آناتولی و شاهزادگان آن‌ها مانند سلجوقیان بزرگ اشعار زیبای

فارسی می‌نوشتند» (Turan, 2008: 29). ابن بی‌بی که پیش از ورود به‌دربار سلاطین سلجوقی آناتولی از کاتبان دربار جلال‌الدین خوارزمشاه بود در چندجای کتاب خود به‌حمایت سلاطین و شاهزادگان سلجوقی آناتولی اشاره کرده است؛ مثلاً دربارهٔ ادب‌پروری رکن‌الدین سلیمان شاه دوم آورده است که: «علما و فضلا و شعرا و هنرمندان جهان روی به بارگاه او نهادند و هریک بضاعت صناعت خویش را بر رأی اعلایش به‌محل عرض می‌رسانیدند و در حق هریک احسان بیکران [می‌کرد]» (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۶-۶۲). با توجه به ۲ منابع الهام‌بخش فعالیت ادبی در قلمرو سلجوقیان آناتولی، جای تعجب نیست که بسیاری از سلاطین و شاهزادگان در کنار برخورداری از اسامی فارسی (کیکاووس، کیخسرو و ...) تعداد آن‌هایی که به‌فارسی شعر می‌سرودند هم کم نبود. حتی رکن‌الدین سلیمان‌شاه که به‌گفتهٔ ابن بی‌بی در بسیاری از علوم سرآمد بود، اشعاری به‌فارسی دارد که نمونه‌هایی از آن را ابن بی‌بی نقل کرده است (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۸۷). نمونه‌ای دیگر، نامه‌ای است از کیخسرو اول که در قالب مثنوی فارسی به‌شیخ مجدالدین اسحاق سروده است (Yıldız, 2013: 120). از عزالدین کیکاووس بن کیخسرو نیز اشعاری به‌فارسی در گله از پیمان‌شکنی پروانه با او نقل شده است (Yıldız, 2013: 163).

یکی دیگر از مظاهر تعلق خاطر سلاطین و شاهزادگان سلجوقی به‌فرهنگ ایرانی و ادب فارسی، توجه ویژه آنان به‌شاهنامهٔ فردوسی بود (ربانی، ۱۳۹۱: ۵۶). در این دوره، آثاری نگاشته شد که ماهیت قهرمانانهٔ وقایعی که به‌تصویر می‌کشید، الگوبرداری آشکاری از شاهنامه بود. یکی از این آثار، *انیس/تقلوب* برهان‌الدین آنوی بود که به‌سلطان کیکاووس اول (ح. ۲۰-۱۲۱۱) تقدیم شده است. از سوی دیگر، باید به‌مسئلهٔ تصوف ایرانی اشاره کرد. با گذشت زمان، زبان فارسی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین زبان‌های تصوف مطرح شد و شخصیت‌های بزرگی، مانند مولانا جلال‌الدین بلخی زبان فارسی را به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال افکار و تجربه‌های عرفانی خود استفاده کردند. البته این ارتباط نزدیک میان زبان و تصوف، باعث شد که تصوف به یکی از عناصر مهم فرهنگ ایرانی که در آناتولی جریان داشت، تبدیل شود (Özgüdenli, 2011: 36). همچنین در گسترش زبان فارسی با اینکه سلجوقیان اولین سلسلهٔ اسلامی نبودند که زبان فارسی را زبان درباری خود قرار دادند؛ ولی آن‌ها نخستین سلسله‌ای بودند که این کار را در یک امپراطوری وسیع انجام دادند و این امپراطوری بخش اعظم جهان فارسی‌زبان را در بر می‌گرفت. در حقیقت، زبان فارسی نویسندگان سلجوقی نقش به‌سزایی در بالابردن مقام زبان فارسی داشت (بازورث، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

آثار تاریخ‌نگارانه فارسی دوره سلجوقیان آناتولی

برای آثار تاریخ‌نگارانه‌ای که دوره سلجوقیان آناتولی نگاشته شدند، می‌توان به این چهار اثر اشاره کرد: *سلجوقنامه* قانعی طوسی، *تاریخ آل سلجوق* با نویسنده‌ای گمنام، *اوامر العلایه فی الامور العلانیه* از ابن بی‌بی و *مسامره الاخبار و مسایره الاخیار* اثر آقسرای.

سلجوقنامه

ملک الشعرا امیربهاءالدین احمد بن محمود قانعی طوسی، از شاعران پارسی‌گوی ایرانی در آسیای صغیر و از مقدمان آن گروه در دیار مذکور است. ولادتش در اواخر قرن ششم هجری در طوس اتفاق افتاد. وی تا حمله مغول به خراسان در آن دیار به کسب فضائل و سخنوری اشتغال داشت و از جمله کسانی است که توانست در گیرودار هجوم مغولان از ورطه بلا، جان به سلامت برد. اسم و عنوانش در کتاب *مناقب العارفین* افلاکی و در آغاز و انجام نسخه‌ای از *کلیله و دمنه* منظوم او به تاریخ ذی‌قعدة سال ۸۶۳ هجری است (افلاکی عارفی، ۱۳۹۶: ۲۲۱). از اینجا معلوم می‌شود که او بعد از ورود به خدمت سلاطین سلجوقی آسیای صغیر، سمت «ملک الشعرا» و عنوان «امیر» یافت. اعطای لقب امیر به شعرا و ادبا در دستگاه سلجوقیان نظایر دیگری هم دارد که از آن جمله می‌توان به ملک‌الادبا امیر بدرالدین یحیی از معاصران قانعی اشاره کرد (افلاکی عارفی، ۱۳۹۶: ۳۲۲).

قانعی در یک‌مورد از اشعار خویش، نسبت «طوسی» را به صورت لقب شعری خود به کار برد، ولی مسلماً تخلص یا لقب شاعری او همان قانعی بود که بدان مشهور است. وی چنانچه خود گفته است، در ایام فتنه مغول که خراسان دچار قتل و غارت و ویرانی گردید و خوارزمشاه از خوارزم به عراق و از آنجا به دریای مازندران گریخت، در خراسان به سر می‌برد و به سخن‌گویی اشتغال و در این باب اظهار داشت، چنانکه همه امرا و بزرگان خریدار او و سخنش بودند، ولی هنگامی که فرار خوارزمشاه و پراکندگی سپاه وی را دید در خراسان نماند و به هندوستان گریخت. او در هندوستان نیز نماند و از آنجا رهسپار عدن و صناعا شد و سپس به مدینه رفت (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۵۳۶). از این پس، درباره قانعی اطلاعی در دست نداریم و حتی مشخص نیست که *سلجوقنامه* در چه تاریخی و کجا تألیف شده است؛ از همین رو برخی محققان، این اثر را جزو آثار گمشده می‌پندارند، ولی به نظر می‌رسد که قسمتی از آن، در کتاب *اوامر العلایه* تألیف ناصرالدین حسین بن محمد بن علی معروف به «ابن بی‌بی» که از اوان انتشار به *سلجوقنامه* معروف بود، نقل شده باشد (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۴۹۶).

تاریخ آل سلجوق

نویسنده تاریخ آل سلجوق، مؤلفی ناشناس است، اگرچه می‌دانیم این کتاب برای یکی از آخرین سلاطین سلجوقی نوشته شده است. به نظر می‌رسد که هدف و انگیزه نویسنده این اثر، تداعی شکوه و عظمت خاندان سلجوقی برای شاهزادگان این خاندان باشد. چنانکه خود نیز در این باره گفته است: «این کتاب مشتمل است بر تاریخ پادشاهان و سلجوقیان ماضی آناتولی [...] برسم مطالعه شاه و شاهزاده جهان خسرو کامران جوان بخت زمین و زمان سلاله السلجوقین بقیه السلاطین سلجوق» (تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۵: ۳۹). تاریخ آل سلجوق، تاریخ سلسله‌ای کوتاهی است که بر سلاطین سلجوقی آناتولی و پایتخت آن‌ها، یعنی قونیه متمرکز شده است. نکته شایان توجه درباره سلجوقنامه این است که نویسنده، کارکردی را که خلفای عباسی در جهان اسلام داشتند، برای سلاطین سلجوقی در نظر گرفته است (Melville, 2009: 150). نویسنده، بدین طریق سعی در برقراری ارتباطی معنوی میان سلجوقیان آناتولی و خلافت عباسی به عنوان نماینده جهان سنی در برابر مسیحیان و حتی دیگر فرق اسلامی داشته است. مجتبی مینوی، احتمال داده است که مؤلف یا کاتب سلجوقنامه از اهالی قونیه بوده باشد؛ زیرا خط او از نوع خطوط کاتبانی است که برای خاندان جلال‌الدین آناتولی در آن شهر کتابت می‌کردند (تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۵: ۳۱). از آنجایی که نویسنده برای تألیف اثر به حافظه خود تکیه کرده و در آن به طور خاص به آثار قبلی یا معاصر اشاره نکرده است، ممکن است کار را خیلی زودتر از سال ۷۶۵ ه. ق. آغاز کرده باشد (تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۵: ۳۱-۳۲). یا ممکن است یک کار ترکیبی باشد که زودتر شروع شده و از سوی شخص دیگری در حدود ۷۶۵ ه. ق. تکمیل شده باشد (Melville, 2009: 333). این اثر، برای «سلطان علاءالدین بن سلجوق سلیمان شاه» که فرزند ملک رکن‌الدین سلجوقی و نوه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو بن سلطان کیقباد بود، نوشته شده (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۳۲) و حامی آن، نوه غیاث‌الدین کیخسرو دوم (ح. ۶۳۴-۶۴۳ ه. ق.) بود (Melville, 2009: 151). نویسنده در این اثر، به دوران سلطنت خوارزمشاهیان و خلفای عباسی پرداخته و سپس به سلاطین سلجوقی، از جمله ابوشجاع آلپ ارسلان بن داود و ابوالفتح ملکشاه توجه کرده است. او سیر وقایع را تا سلطنت علاءالدین کیقباد سلجوقی (۶۳۴-۶۱۶ ه. ق.) ادامه داده است (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۷۳، ۵۱، ۴۹، ۴۱). نویسنده، بخش سلجوقیان آناتولی را با شرح ارتقای ملکشاه آغاز می‌کند و نحوه سلاخی مخالفان را از سوی پدرش آلپ ارسلان ستایش کرده و با شرح لشکرکشی سلیمان شاه به آناتولی ادامه می‌دهد (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۷۷). کار به همین شیوه، ادامه می‌یابد و نویسنده، وقایع سلاطین متوالی دولت سلجوقی را بازگو می‌کند و بر فتوحات نظامی و پیروزی‌های این خاندان تأکید می‌کند (Hillenbrand, 2011: 88). سلیمان بن قتلش، رهبر ترکمن‌ها (متوفی ۴۷۹ ه. ق.) که در فتح آناتولی نقش برجسته‌ای داشت و به قونیه نیز حمله کرده بود،

از سوی نویسنده مورد اعتبار خاصی قرار می‌گیرد؛ چراکه توانسته بود سلطنت آناتولی را تحت لوای سلجوقیان درآورد (تاریخ آل سلجوق، ۱۳۷۷: ۸۳-۹۹). این اثر، با وجود تفاوت‌هایی قابل توجهی که با اثر ابن بی‌بی و آقسرای دارد در برداشت مشترک آن‌ها از «مبنای اخلاقی اقتدار حاکمیت و اعمال قدرت» متحد است (Melville, 2009:161).

الوامر العلایه فی الامور العلایه

از موضوعات محوری تاریخ‌نگاری ایرانی، نهاد سلطنت است و چون زمانی که مورخان این دوره به تاریخ‌نگاری اقدام کردند، جایگاه این نهاد متزلزل شده بود؛ از این رو می‌توان پی‌برد که یکی از دغدغه‌های اصلی مورخان در چنین تاریخ‌نگاری، ریشه‌یابی مسائلی بوده که موجب تزلزل و انحطاط این نهاد شده است. با توجه به این نکته، می‌توان گفت که تاریخ‌نگاری سلطنت در قلمرو سلجوقیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. کتاب *الوامر العلایه فی الامور العلایه*، نوشته حسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی معروف به ابن بی‌بی است. او که اصلیتی ایرانی داشت، رئیس دیوان طغرا در دربار سلجوقیان آناتولی بود. پدر و مادر او از مهاجرانی بودند که در زمان حمله مغول به طرف شامات و آناتولی مهاجرت کردند و در نهایت به دربار سلطان علاءالدین کیقباد راه یافتند (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۱۹۶-۱۹۷). ابن بی‌بی (متوفی حدوداً پس از ۶۸۳ ه.ق یا ۶۸۶ ه.ق) به پیروی از پدرش منشی یا کاتب دربار خوارزمیان بود و به درخواست عظاملک جوینی والی بغداد این کتاب را نوشت (Melville, 2009:135-136). جوینی‌ها از ادبیات تاریخی به عنوان تبلیغات فکری برای تقویت مشروعیت ایلخانان با نشان دادن آن‌ها به عنوان حافظان عدالت، تقوای مسلمانان و سنت‌های سلطنت ایران استفاده کردند. ابن بی‌بی طی چرخه‌ای از موفقیت و زوال، به سلجوقیان آناتولی خدمت کرد؛ یعنی از اوج سلجوقیان در زمان کیقباد اول (۶۱۶-۶۳۴ ه.ق) تا افول آن‌ها در دوران اقتدار مغول تا دهه ۶۷۰ ه.ق (Anooshahr, 2009:110-111).

ابن بی‌بی، موظف شد که تصویر شاخه‌ای از سلجوقیان را که اصالتاً سرکش بودند، بازسازی کند و تاریخ آن‌ها را به گونه‌ای ارائه کند که به الگوی حکومتی ایرانی - اسلامی پایبند باشد. وی با معرفی سلاطینی، مانند قلیچ ارسلان به عنوان حاکمانی که سلجوقیان بزرگ بر قلمروهای استانی گماشته‌اند، به سلجوقیان آناتولی مشروعیت بخشید. این درحالی رخ داد که این نویسندگان آثارشان را پس از افول سلطنت سلجوقیان ایران (بزرگ) نوشتند و نشان دادند که با وجود زوال آن‌ها، سلجوقیان بزرگ همچنان به عنوان سلطان واقعی و مشروع سلجوقی تلقی می‌شدند (Mecit, 2014:23-29). ابن بی‌بی کتاب خود را به عظاملک جوینی، نویسنده کتاب *تاریخ جهانگشا* تقدیم می‌کند و در آغاز و انتهای کتاب او را مورد ستایش قرار می‌دهد (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۶-۷). نام‌گذاری کتاب نیز به این دلیل است که کتاب را به اشاره

عطاملک جوینی و بهنام علاءالدین کیقباد اول نوشته و به قول نویسندۀ کتاب *تاریخ ادبیات ایران*، می‌خواست که ذیلی بر تاریخ جهانگشای جوینی در باب تاریخ سلاجقه آناتولی قرار دهد. (صفا، ۱۳۵۲: ۱۲۱۶). «علائیه»، اول در عنوان کتاب اشاره به علاءالدین عطاملک جوینی و دیگری اشاره به علاءالدین کیقباد اول است (دیانت، ۱۳۶۹: ۱۴۴). اما به گفته صفا، عمده اطلاعات ابن بی‌بی درباره حوادث زمان کیخسرو اول، کیکاووس اول و کیقباد اول از *سلجوقنامه* منظوم قانعی طوسی است. وی در این باره آورده است که: «*سلجوقنامه* قانعی را همه محققان جزو آثار گمشده می‌پندارند؛ ولی تصور می‌رود که قسمتی از آن در کتاب (الاوامر/العلائیه) ابن بی‌بی که از اوان به *سلجوقنامه* معروف بود، نقل شده است بی‌آنکه حتی یک‌بار از بیچاره قانعی نام‌برده شود و حتی به نظر من، *الاوامر/العلائیه* ابن بی‌بی در آنچه مربوط به سلطنت غیاث‌الدین کیخسرو اول و علاءالدین کیقباد است تلخیصی است از *سلجوقنامه* قانعی باشد.» (صفا، ۱۳۷۳: ۴۹۵).

همچنین آثاری که به طور خاص مورد استفاده ابن بی‌بی قرار گرفته، *قابوس‌نامه* قابوس بن وشمگیر، *کیمیای سعادت* غزالی و *سیاست‌نامه* نظام‌الملک طوسی است (صفا، ۱۳۷۳: ۴۹۳). با توجه به این موضوعات، می‌توان به‌مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های تاریخ‌نگاری ابن بی‌بی که همان بازگشت به حکومت علاءالدین کیقباد اول بود، پی‌برد. زمانی این استدلال موثق‌تر می‌شود که به گفته‌های خود ابن بی‌بی توجه کرد. او درباره مرگ این سلطان می‌نویسد: «و بدان مفارقت دل برق کباب و دیده سحاب پر آب گشت و امور ملک و ملت از آن روز در تراجع و تباهی افتاد و نظام عقد پادشاهی واهی شد و از عجایب اتفاقات آن بود که ملک کامل و ملک اشرف که پیوسته سودای حصول ملک آناتولی در سر ایشان کامن بود در این ایام فرمان یافتند و احوال ممالک آناتولی در هرج و مرج افتاد و در نزهت آباد این مملکت که موئل غربا و ملجأ ضعفا بود شربتی خوشگوار به‌هیچ حلقی فرونرفت که صدهزار جوی خون از حال و دل بر نیامد» (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۲۰۷).

با نگاهی به منابع این دوره، متوجه خواهیم شد که حکومت سلجوقیان در حمایت از جامعه اهل سنت چه جایگاه ویژه و ممتازی داشته است (راوندی، ۱۳۸۶: ۶۱؛ نیشابوری، ۱۳۳۲: ۴۰؛ ابن اثیر، ۱۳۷۲: ۲۲۸). چون مغولان به آزادی ادیان اعتقاد داشتند، مذهب تسنن جایگاه سابق خود را از دست داده بود؛ به گونه‌ای که: «اساس قصر دولت آل عباس به انتقاض پیوست و ایام سلطنت احکام ایشان به انقراض رسید و دماغ ناموس خلافت مختل و مزاج رون امامت معتدل شد و مناهل فواضل ایشان از ورود وفود افاضل مهمل و معطل ماند» (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۸). باتوجه به این موضوعات، می‌توان پی‌برد که از دیگر دغدغه‌های ابن بی‌بی افزون بر بازگشت شکوه سابق سلجوقیان آناتولی، قدرت‌یافتن دوباره مذهب اهل سنت در جامعه و امور حکومتی بود که ابن بی‌بی محقق‌شدن این امر را نیز در گرو قدرت‌گرفتن دوباره سلاطین سلجوقیان

آناتولی می‌بیند و به‌همین سبب، به‌ثبت تاریخ سلجوقیان آناتولی می‌پردازد که یادآور روزهای خوب سلاطین سلجوقیان آناتولی برای شاهزادگان سلجوقی باشد و اگر هم فرماندهان و ایلخانان مغول به‌مطالعه آن پرداختند، مذهب سنت را به‌جایگاه سابق خود بازگردانند (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۲۳۱).

ابن بی‌بی برای احیای قدرت روبه‌زوال سلطنت سلجوقی، سلطان را به‌عنوان پدر معنوی اسلام، که وظیفه حفظ نظم در جامعه مسلمانان را برعهده دارد، به‌تصویر می‌کشد و به‌نظر می‌رسد که این رویکرد، بخشی از تلاش برادران جوینی برای استیفای اصول اسلامی در اداره قلمرو ایلخانیان بوده است؛ به‌مانند چارلز ملویل. نگارنده استدلال می‌کند که فعالیت‌های حمایتی جوینی‌ها بخشی از یک‌سیاست آگاهانه برای اسلامی‌کردن ایلخانان در آستانه گرویدن نخبگان آنان به‌اسلام بود؛ دوره‌ای که طی آن، اعمال و گفت‌وگوهای فرهنگی و مذهبی رقابتی شدید با یکدیگر داشتند؛ از این‌رو راه‌اندازی تاریخ ابن بی‌بی را باید بخشی از تلاش‌های برادران جوینی در ترویج دیدگاه‌ها و نهادهای اسلامی در ایلخانان دانست و تأکید مجدد ابن بی‌بی بر مشروعیت سیاسی سلجوقیان داخل ایلخانان بخشی از این تلاش برای حفظ و ارتقای نهادهای سیاسی اسلامی در داخل قلمرو مغولان بود (Melville, 2001: 77).

مسامره‌الاخبار و مسامره‌الاخبار

نویسنده این اثر، محمود بن محمد کریم‌الدین آقسرائی مورخ، منشی و دولتمرد دوره سلجوقیان آناتولی در سده هفتم و هشتم هجری است که از نسب و تاریخ درگذشت و زادگاه وی اطلاع دقیقی در دست نیست. عثمان توران مصحح این کتاب در مقدمه‌ای که بر آن نوشته است، چنین می‌گوید: «عنوان (آقسرائی) نشان می‌دهد که وی به‌خاندانی از (آق‌سرا) منسوب است (آقسرائی، مقدمه مصحح، ۱۹۴۳: ۳۳). اثر آقسرائی نسبت به آثار قبلی، از گستردگی بیشتری برخوردار بوده و بر حاکمان معاصر سلجوقی تمرکز داشته است، اما نویسنده در اثرش دید پیرامونی وسیع‌تری را که با رویدادهای دولت ایلخانی مغول هماهنگ بود، حفظ کرده است (Melville, 2009: 135). مسامره‌الاخبار اثر مهمی نه‌تنها در زمینه تاریخ‌نگاری فارسی، بلکه در زمینه تاریخ‌نگاری پیش از عثمانی هم به‌حساب می‌آید. نویسنده، کار خود را در سال ۷۲۲ ه.ق به‌پایان رساند و آن را برای امیر تیمورتاش بن چوپان ارائه کرد (Özgüdenli, 2013: 267-268). آقسرائی در این اثر، به‌وزارت و جایگاهی که در دولت سلجوقیان آناتولی داشت، توجهی ویژه داشته و اهمیت آن را که از زمان عزالدین کیکاووس رو به‌فزونی می‌رفت، نشان داده است (آقسرائی، ۱۹۴۳: ۸۹). درباره اهداف و انگیزه‌هایی که آقسرائی را به‌نگارش این اثر واداشت شاید بهترین گواه، حرف‌های خود او باشد، آنجاکه می‌گوید: «بر دعا احتضار نموده و در تواریخ قرون امم ماضیه تألیفی پرداخت، مجموعه ساخت تا در فرصت خلوت خوانندگان صاحب فضیلت مطالعه کنند و کیفیت آن حالات

و مقالات بسمع اشراف اسمع الله البشایر رسانند که به نظر عنایت مرموق گردد» (آقسرائی، ۱۹۴۳: ۴).
 باتوجه به اینکه آقسرا، ناحیه‌ای از آناتولی مرکزی به حساب می‌آید و مردم این ناحیه بیشتر غیر ایرانی بودند، این پرسش مطرح می‌شود که چرا یک فرد غیر ایرانی، به تاریخ‌نگاری فارسی اقدام کرده است؟ در جواب این پرسش باید به‌اثرگذاری مهاجرینی که از ایران به منطقه آناتولی رفتند و همچنین علاقه سلاطین سلجوقی آناتولی به فرهنگ ایرانی (به‌طوری که زبان رسمی دربار و دیوان سلجوقیان آناتولی، فارسی بود) توجه کرد. همان‌طور که اشاره شد، وزیران و دیوانیانی که به آناتولی مهاجرت کردند کم‌کم در سلسله‌مراتب اداری حکومت سلجوقیان آناتولی نفوذ و تأثیر زیادی بر ساختارهای آن گذاشتند. در این زمینه، عثمان توران معتقد است که: «او چون همیشه حوادث را از نظر مرکزیت سلجوقیان و ایلخانان ایران می‌بیند، اساس شورش‌ها و اتفاقاتی را که در آناتولی روی داده، مطابق دید نویسندگان ایرانی نقل و توجیه می‌کند، از اینجاست که میان منابع ایرانی و مسامره/الخبار با منابع دولت رقیب- ممالیک مصر- اختلاف نظر مشاهده می‌شود. او که وابسته به مرکزیت ایران است و تحت تأثیر مشروعیتی که برای مرکزیت ایران قائل است، ناچار درباره حوادث از آن نظر و به‌نسبتی که با ایران ارتباط داشته، اظهار علاقه می‌کند» (آقسرائی، مقدمه مصحح، ۱۹۴۳: ۴۷). چنانکه پیداست، آقسرائی هدف از تاریخ‌نگاری را عبرت از گذشته ذکر می‌کند و آن را علمی برای پادشاهان می‌داند که اصول حکومت‌مداری و عدالت را بیاموزند؛ رویکردی که در تاریخ‌نگاری ایرانی نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود.

جدول ۱: ویژگی‌های آثار تاریخ‌نگارانه فارسی دوره سلجوقیان آناتولی

ردیف	نام اثر	نویسنده	منصب	زبان	رویکرد	فاصله زمانی با رویداد	موضوع	تاریخ‌نگاری نوع	پیشکش به
۱	سلجوقنامه	امیر بهاء‌الدین احمد بن محمود قانع‌ی طوسی	ملک‌الشعرا	—	رسمی	۴۰ سال	ذکر سه تن از پادشاهان سلجوقی آناتولی	سلسله‌ای	عزال‌دین کیکاوس دوم
۲	الاوامر / الملائیه	حسین بن محمد بن علی جعفر الرغدی (ابن بی‌بی)	رئیس دیوان طغرا	مصنوع و متکلف	غیر رسمی	۹۱ سال	تاریخ سلاطین و امرای سلجوقیان آناتولی	سلسله‌ای	عطاملک جوینی
۳	تاریخ آل سلجوق	مجهول المؤلف	منشی	ساده و روان	غیر رسمی	۴۶ سال	تاریخ سلجوقیان بزرگ تا سلجوقیان آناتولی	سلسله‌ای	—
۴	مصاره الاخبار و مسایره الاخبار	محمود بن محمد بالکریم آقسرائی	منشی	مصنوع و متکلف	غیر رسمی	۴۷ سال	تاریخ سلجوقیان بزرگ تا سلجوقیان آناتولی	سلسله‌ای	تیمورتاش چوپانی

نتیجه‌گیری

این پژوهش، در پی توصیفی از شرایط شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی/ایرانی دوره سلجوقیان آناتولی برآمد و بدین‌منظور با در نظر گرفتن چهار اثر شاخص ضمن بررسی ویژگی‌های کلی این آثار، بستری را مشخص نمود که موجب شکل‌گیری این نوع از تاریخ‌نگاری در آناتولی شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تاریخ‌نگاری فارسی در آناتولی در نتیجه سلسله‌ای از علت‌ها و معلول‌ها شکل گرفت؛ به گونه‌ای که هجوم مغولان در کنار منقرض کردن خلافت عباسی، موجب شکل‌گیری امواج مهاجرتی از ایران به آناتولی نیز شد. مهاجران ایرانی که در میان آن‌ها، عده‌ای هم اهل علم و دیوانی بودند در آناتولی وارد دستگاه اداری سلجوقیان آناتولی شده و زمینه‌ای برای شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فارسی در آن ناحیه را فراهم کردند. این آثار که بیشتر از سوی افرادی نوشته شد که در فضای دیوانی و مطابق ارزش‌های آن تربیت یافته بودند، موضوعات و مسائل مشخصی داشت، از جمله اینکه بیشتر آن‌ها به ذکر تاریخ سلاطین، وزراء و اقدامات آن‌ها مبادرت کردند و انگیزه اساسی آن‌ها نیز از تدوین چنین آثاری، احیای شکوه و عظمت حکومت سلجوقیان آناتولی بوده است که با این کار، می‌خواستند به جایگاه و مقامی که در گذشته داشتند، دوباره دست یابند. از سویی دیگر، زمانی ترکان سلجوقی وارد سرزمین آناتولی شدند که قبل از آن، هیچ حکومت مسلمانی در آنجا شکل نگرفته بود. همان‌طور که مشخص است، کمبود آثار تاریخی از منظر اسلامی که درباره سلجوقیان آناتولی تولید شده است، دست‌کم تا حدی به سبب شرایط نامطلوب آنجاست: نهادهای حکومتی و آموزشی اسلامی، مانند مدرسه زمان زیادی طول کشید تا ساخته شوند. نیروهای بیزانسی برای مدت طولانی در برابر ترک‌ها مقاومت کردند و مرزهای بین بیزانسی‌ها و ترکمن‌های مهاجر تغییر کرد. همچنین هویت سلجوقیان آناتولی، قبیله‌ای و عشایری بود و بیشتر آن مناطق، تحت کنترل امپراتوری بیزانس بود و همین عامل، موجب شده بود که هیچ‌گونه سنت تاریخ‌نگاری در آن منطقه وجود نداشته باشد و همین عامل، خود یکی از علل تأخیر در پا گرفتن سنت تاریخ‌نگاری ایرانی در این منطقه بود. از آنجاکه اولین کسانی که در این منطقه به تاریخ‌نگاری روی آوردند، ایرانی یا تربیت‌یافته در فضای ایرانی بودند و بر اساس سنت‌های ایرانی و با زبان فارسی به تاریخ‌نگاری اقدام کردند، تاریخ‌نگاری آناتولی سرشتی ایرانی یافت.

منابع

- آقسرای، محمود بن محمد (۱۹۴۳ م.). *مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*. به سعی و تصحیح و حواشی عثمان توران. آنکارا: چاپخانه انجمن تاریخ ترک.
- ابن بی‌بی، الحسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی (۱۹۵۷). *الوامر والعلائیه فی الامور العلائیه*. ۱ جلد. به تصحیح و اهتمام نجاتی لوغال و عدنان صادق ارزی. آنکارا: چاپخانه انجمن تاریخ ترک.
- اخبار سلاجقه آناتولی* (۱۳۵۰). به اهتمام محمدجواد مشکور. تهران: انتشارات کتابفروشی.
- اذکایی، پرویز (۱۳۷۳). *تاریخ‌نگاران ایران*. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- ارطغرل، علی (۱۳۹۱). *تاریخ‌نویسی در آناتولی پیش از عثمانی: در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*. ترجمه و تدوین نصرالله صالحی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵). *تاریخ مغول*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۹). *تاریخ مفصل ایران (تاریخ مغول)*. چاپ دوم. تهران: انتشارات نگاه.
- افلاکی عارفی، شمس‌الدین احمد (۱۳۹۶). *مناقب العارفین*. تهران: انتشارات دوستان.
- براون، ادوارد (۱۳۳۹). *تاریخ ادبی ایران (از سعدی تا جامی)*. ۳ جلد. ترجمه و حواشی علی‌اصغر حکمت. تهران: چاپخانه دانشگاه.
- بازورث، کلیفوردادموند (۱۳۹۰). *سلجوقیان*. مترجم: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۰). *تاریخ بیهقی*. ۱ جلد. مقدمه توضیحات تعلیقات و فهراس منوچهر دانش‌پژوه بر اساس نسخه «فیاض» و نسخه «پیشاوری» و نسخه «غنی فیاض». تهران: انتشارات هیرمند.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی* (۱۳۷۵). مقدمه، تصحیح و تعلیقات نادره جلالی. بی‌نا. تهران.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۱۳۴۵). *ترجمه تاریخ یمنی (به انضمام خاتمه یمنی یا حوادث ایام)*. به اهتمام جعفر شعار. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جوینی، عطاملک بن محمد (۱۳۸۷). *تاریخ جهانگشای*. به تصحیح عبدالوهاب قزوینی. ۱ و ۳ جلد. تهران: انتشارات هرمس.
- دیانت، علی‌اکبر (۱۳۶۹). *(ابن بی‌بی) در (دائرة المعارف بزرگ اسلامی)*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ۳ جلد. تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- رازی، نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهاور بن انوشروان (۱۳۸۲). *مرصادالعباد*. به اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۸۶). *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*. به سعی و تصحیح محمد اقبال، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر و مجتبی مینویی. تهران: انتشارات اساطیر.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۹۰). *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*. تهران: انتشارات اطلاعات.

ربانی، زهرا (۱۳۹۱). فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان آناتولی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
رحمتی، محسن (۱۳۹۸). خواجه نظام الملک و گسترش زبان فارسی در آناتولی. *مجله مطالعات ایرانی*. ۱۸ (۳۵)، ۱۲۰-۱۰۲.

صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲). *تاریخ ادبیات در ایران (از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری)*. جلد ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات در ایران (از اوایل قرن هفتم تا پایان هشتم)*. جلد ۳. تهران: انتشارات فردوس.
مرتضوی، منوچهر (۱۳۹۱). *مسائل عصر ایلخانان*. با نظارت و تنظیم محمدعلی پرغو. تهران: انتشارات دانشگاه تبریز.

مستوفی، حمداالله (۱۳۲۸). *تاریخ گزیده*. ۱ جلد. به سعی و اهتمام ادوارد براون. بی.نا. لندن.
میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱). *تاریخ نگاری فارسی (سامانیان، غزنویان، سلجوقیان)*. ترجمه محمد دهقانی. تهران: نشر ماهی.

میرخوانده، میر محمد بن سیدبرهان الدین خاوندشاه (۱۳۳۸). *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء*. ۴ و ۵ جلد، به سعی و اهتمام نصرالله صبوحی. تهران: انتشارات کتابخانه خیام.

مفتاح، الهامه و وهاب، ولی (۱۳۷۴). *نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه*. تهران: شورای گسترش زبان و ادب فارسی.

نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). *سلجوقنامه (با ذیل سلجوقنامه ابو حامد محمد بن ابراهیم)*. به کوشش میرزا اسماعیل خان افشار. تهران: انتشارات گلاله خاور.

ترکمنی، آذر و جنگجو قولنجی، شهناز (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی تاریخ نگری و تاریخ نگاری نیشابوری و راوندی. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. ۵ (۱).

صدری نیا، باقر (۱۳۹۰). بررسی عوامل و ابعاد مهاجرت ایرانیان به آسیای صغیر در قرن هفتم. *نشریه علمی-پژوهشی تاریخ نامه بعد از اسلام*. ۱ (۲)، ۴۳-۶۹.

صدقی، ناصر (۱۳۹۳). *تاریخ نگاری در ایران عصر سلجوقی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
صدقی، ناصر (۱۳۸۹). *تاریخ نگاری ایران عصر سلجوقی و مسئله دگرگونی های سیاسی. تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دو فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء* ۸۶ (۶)، ۸۱-۱۰۶.

صدقی، ناصر (۱۳۹۰). تأملی در وضعیت پژوهش های سلجوقی در ایران. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. (۱۹۶)، ۱۱-۲.
یازجی، تحسین (۱۳۷۱). *پارسی نویسان آسیای صغیر*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Akdag, Mustafa, (1974), *Türkiye'nin İktisadi ve İctimai Tarihi*, İstanbul: Yapı Kredi yayınları.

Ateş, Ahmed, (1945), Hicri VI-VIII. (XII.-XIV.) Asırlarda Anadolu'da Farsça Eserler, *Türkiyat Mecmuası Dergisi*, 8.94- 135.

Anooshahr, Ali, (2009) *The Ghazi Sultans and the Frontiers of Islam: A Comparative*

- Study of the Late Medieval and Early Modern Periods. London and New York: Routledge.
- Claude Cahen, (1962), "The Historiography of the Seljuqid Period," in Bernard Lewis and Peter M. Holt, eds., *Historians of the Middle East*.
- Hillenbrand, Carole. (2011) "Aspects of the Court of the Great Seljuqs." In *The Seljuqs: Politics, Society, and Culture*, edited by Christian Lange and Songul Mecit, 22–38. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Muslim Sources*. (Gary. L, Çev.) Salt Lake City: University of Utah Press.
- Kafadar, Camal, (2010), *İki Cihan Aresinde: Osmanlı Devletinin Kuruluşu*, (Ceren. Ç, Çev). Ankara: Birleşik Yayınevi.
- Mecit, Songül, (2011), *The Seljuqs: Politics, Society and Culture*, Edinburgh: University Press.
- Mecit, Songül, (2014), *The Rum Seljuqs: Evolution of a Dynasty*, New York.
- Melville, Charles, (2001) "From Adam to Abaqa: Qadi Baidawi's Rearrangement of History," *Studia Iranica* 30(1), p. 77.
- Melville, Charles. (2009) "Anatolia under the Mongols." In *The Cambridge History of Turkey*, vol. I, Byzantium to Turkey, 1071–1453, edited by Kate Fleet, 51–101. Cambridge: Cambridge University Press.
- Özgüdenli, O, G. (2013). "XII-XIV. Yüzyıllarda Anadolu'da Tarih Yazıcılığı" *Prof. Dr. Erdoğan Merçil'e Armağan*, (ed..M. Kesik, C. Piyadeoğlu, A. Usta ve E. Uyumaz). İstanbul: Bilge Kültür Yayınları.
- Özgüdenli, O, G. (2011), "*Tarih: Osmanlılar'dan Önce Anadolu*", *DİA*, XL, s. 36.
- Turan, Osman, (2008), *Selçuklular Tarihi ve Türk-İslam Medeniyeti*, Ankara: Ötüken.
- Woods, John E. (1999), *the Aqquyunlu. Clan, Confederation, Empire*. Salt Lake City: University of Utah Press.
- Woods, John E. (2006), *History and Historiography of Post-Mongol Central Asia and the Middle East*, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
- Yıldız, Sara Nur (2006), *Mongol Rule in Thirteenth-Century Seljuk Anatolia: The Politics of Conquest and History Writing, 1243-1282*, *Department of Near Eastern Languages and Civilizations*, Chicago.
- Yıldız, Sara Nur Anda. C. S. Peacock, (2013), *the Seljuks of Anatolia*, I. B. Tauris.
- Yıldırım, Rıza, (2001) *Dervishes in Early Ottoman Society and Politics: a Study of Vilayetnames as a Source for History*, *University of Bilkent*. Ankara.

Transliteration

- Aflākī 'Ārefī, Šams al-Dīn Aḥmad. (2017). *Manāqīb al-Ārīfīn*. Tehran: Intešārāt-e Dūstān.
- Aḳbār-e Salāḳīqa-ye Ānāṭūlī (*Annals of the Seljuks of Anatolia*). (1971). Edited by Mohammad Javad Mashkour. Tehran: Intešārāt-e Ketāb-Forūšī.

- Āqsarā'ī, Maḥmūd b. Moḥammad. (1943). *Mosāmīrat ul-Aḳbār wa Mosāyīrat ul-Aḳyār*. Edited by Osman Turan. Ankara: Čāp-kāne-ye Anjoman-e Tārīk-e Türk.
- Artoghrul, Ali. (2012). *Historiography in Anatolia Before the Ottomans: On Ottoman Historiography and Historians*. Translated and compiled by Nasrollah Salehi. Tehran: Pazhoheškade-ye Tārīk-e Islām.
- Azkaei, Parviz. (1994). *Historians of Iran*. Tehran: Bonyād-e Mūqūfāt-e Maḥmūd Afšār.
- Bayhaqī, kāje Abū al-Faḍl Moḥammad b. Ḥossaīn. (2001). *Tārīk-e Bayhaqī*. Introduction, explanations, commentary, and indices by Manouchehr Danesh-Pajouh based on the “Fayyaz,” “Pishevari,” and “Ghani-Fayyaz” editions. Tehran: Intesārāt-e Hīrmand.
- Bosworth, Clifford Edmund. (1390). *Seljuk dynasty*. Translated by Yaqoub Azhand. Tehran: Intesārāt-e Mowlā. (Gregorian: Starts approximately 21 Mar 2011)
- Browne, Edward. (1339 SH). *A Literary History of Persia*. 3 vols. Translated and annotated by Ali-Asghar Hekmat. Tehran: Čāp-kāne-ye Dānešgāh.
- Diyanat, Ali-Akbar. (1990). “(Ībn Bībī)” in *Great Islamic Encyclopedia*. Supervised by Kaẓīm Mosavi Bojnourdi. Vol. 3. Tehran: Entesārāt-e Dā'irat al-Ma'āref-e Bozorg-e Islāmī.
- Eqbal Ashtiyani, Abbas. (1986). *History of the Mongols*. Tehran: Intesārāt-e Amīr Kabīr.
- Eqbal Ashtiyani, Abbas. (2010). *History of the Mongols*. 2nd ed. Tehran: Intesārāt-e Negāh.
- History of the Seljuk Dynasty in Anatolia*. (1996). Introduction, edition, and notes by Nader Jalali. [n.p.]: [n.p.].
- Ībn Bībī, al-Ḥossaīn b. Moḥammad b. ‘Alī al-ja‘farī al-Roghdī. (1957). *al-Awāmīr al-‘Alā’īyya fī al-Umūr al-‘Alā’īyya*. Edited by Nejati Lughal and Adnan Sadeq Erzi. Ankara: Čāp-kāne -ye Anjoman-e Tārīk-e Türk.
- jarfādeqānī, Abū al-Šaraf Nāṣeḥ b. Zafar. (1966). *Tarjome-ye Tārīk-e Yamīnī* (Translation of the Yamini History (Including the Conclusion of Yamini or Events of the Days). Edited by Ja‘far Shear. Tehran: Entesārāt-e Bongāh-e Tarjome va Našr-e Ketāb.
- jūvaynī, ‘Atā Malek b. Moḥammad. (2008). *Tārīk-e jahāngošāy*. Edited by ‘Abd al-Wahhab Qazvini. Vols. 1 & 3. Tehran: Entesārāt-e Hermes.
- Meftah, Elham and Wahab, Vali (1994). *A look at the process of influence and expansion of Persian language and literature in Turkey*. Tehran: Council for the Development of Persian Language and Literature.